هو الله - ای اهل عالم طلوع شمس حقيقت محض...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



### لوح رقم (35) – من آثار حضرت عبدالبهاء – مکاتیب عبد البهاء، جلد3، صفحه 118

## ( 35 )

نامه در خصوص تعالیم حضرت بهاءالله چندی پیش در زمان حرب مرقوم گردید مناسب دانست که ضم باین نامه گردد

## هو الله

ای اهل عالم طلوع شمس حقیقت محض نورانیت عالم است و ظهور رحمانیت در انجمن بنی آدم نتیجه و ثمر مشکور و سنوحات مقدسه هر فیض موفور رحمت صرف است و موهبت بحت و نورانیت جهان و جهانیان ائتلاف و التیام است و محبت و ارتباط بلکه رحمانیت و یگانگی و ازاله بیگانگی و وحدت با جمیع من علی الارض در نهایت آزادگی و فرزانگی جمال مبارک میفرماید همه بار یکدارید و برگ یکشاخسار عالم وجود را بیک شجر و جمیع نفوس بمنزلهء اوراق و ازهار و اثمار تشبیه فرمودند لهذا باید جمیع شاخه و برگ و شکوفه و ثمر در نهایت طراوت باشند و حصول این لطافت و حلاوت منوط بارتباط و الفت است پس باید یکدیگر را در نهایت قوت نگهداری نمایند و حیات جاودانی طلبند پس احبای الهی باید در عالم وجود رحمت رب ودود گردند و موهبت ملیک غیب و شهود نظر را پاک نمایند و نوع بشر را برگ و شکوفه و ثمر ایجاد مشاهده کنند همیشه باین فکر باشند که خیری بنفسی رسانند و محبت و رعایتی و مودت و اعانتی بنفسی نمایند دشمنی نبینند و بدخواهی نشمرند جمیع من علی الارض را دوست انگارند و اغیار را یار دانند و بیگانه را آشنا شمرند و بقیدی مقید نباشند بلکه از هر بندی آزاد گردند الیوم مقرب درگاه کبریا نفسی است که جام وفا بخشد و اعدا را در عطا مبذول دارد حتی ستمگر بیچاره را دستگیر شود و هر خصم لدود را یار ودود اینست وصایای جمال مبارک اینست نصایح اسم اعظم ای یاران عزیز جهان در جنگ و جدالست و نوع انسان در نهایت خصومت و وبال ظلمت جفا احاطه نموده و نورانیت وفا پنهان گشته جمیع ملل و اقوام عالم چنگ تیز نموده و با یکدیگر جنگ و ستیز مینمایند بنیان بشر است که زیر و زبر است هزاران خانمانست که بیسر و سامانست در هر سالی هزاران هزار نفوس در میدان حرب و جدال آغشته بخاک و خونست و خیمه سعادت و حیات منکوس و سرنگون سروران سرداری نمایند و بخونریزی افتخار کنند و بفتنه انگیزی مباهات نمایند یکی گوید که من شمشیر بر رقاب امتی آختم و دیگری گوید مملکتی با خاک یکسان ساختم و یکی گوید من بنیاد دولتی برانداختم اینست مدار فخر و مباهات بین نوع بشر در جمیع جهات دوستی و راستی مذموم و آشتی و حق پرستی مقدوح منادی صلح و صلاح و محبت و سلام آیین جمال مبارکست که در قطب امکان خیمه زده و اقوام را دعوت مینماید پس ای یاران الهی قدر این آئین نازنین بدانید و بموجب آن حرکت و سلوک فرمائید و سبیل مستقیم و منهج قویم پیمائید و بخلق بنمائید آهنگ ملکوت بلند کنید و تعالیم و وصایای رب ودود منتشر نمائید تا جهان جهان دیگر شود و عالم ظلمانی منور گردد و جسد مرده خلق حیات تازه جوید هر نفسی بنفس رحمانی حیات ابدیه طلبد این زندگانی عالم فانی در اندک زمانی منتهی گردد و این عزت و ثروت و راحت و خوشی خاکدانی عنقریب زائل و فانی شود خلق را بخدا بخوانید و نفوس را بروش و سلوک ملأ اعلی دعوت کنید یتیمان را پدر مهربان گردید و بیچارگانرا ملجأ و پناه شوید فقیرانرا کنز غنا گردید و مریضانرا درمان و شفا معین هر مظلومی باشید و مجیر هر محروم در فکر آن باشید که خدمت بهر نفسی از نوع بشر نمائید و باعراض و انکار و استکبار و ظلم و عدوان اهمیت ندهید و اعتنا نکنید بالعکس معامله نمائید و بحقیقت مهربان باشید نه بظاهر و صورت هر نفسی از احبای الهی باید فکر را در این حصر نماید که رحمت پروردگار باشد و موهبت آمرزگار بهر نفسی برسد خیری بنماید و نفعی برساند و سبب تحسین اخلاق گردد و تعدیل افکار تا نور هدایت تابد و موهبت حضرت رحمانی احاطه نماید محبت نور است در هر خانه بتابد و عداوت ظلمت است در هر کاشانه لانه نماید ای احبای الهی همتی بنمائید که این ظلمت بکلی زائل گردد تا سر پنهان آشکار شود و حقائق اشیاء مشهود و عیان گردد (ع ع)